



Analyzing the function of the linguistic device (substitution) in the blessed Surah "Al-Nahl" from the perspective of the text coherence theory of Ruqiyeh Hassan and Michael Halliday

Mehdi Saif Talib¹, Seyyed Abulfazl Sajjadi², Ebrahim Anari Bezcheloi³, Ahmad Omid Ali⁴

¹Ph.D. in Arabic Language and Literature at Arak University

²a member of the faculty of the Department of Arabic Language and Literature, Arak University.

³a member of the faculty of the Department of Arabic Language and Literature, Arak University

⁴a member of the faculty of the Department of Arabic Language and Literature, Arak University

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received:
11/04/2023
Accepted:
03/12/2023

The Quran is the most eloquent text available to mankind. To analyze and examine its text, various devices have been used by linguists and researchers. One of the most recent devices that can analyze it is the linguistic device of substitution, which has been proposed in the form of Holliday and Hassan's textual cohesion theory. This theory examines the semantic relations that lead to the creation of textual cohesion, and the application of this theory and the linguistic device of substitution in Surah Al-Nahl shows how an element has been able to replace a lot of meaning with a few words and prevent the boring repetition of a Verbatim form of one or more sentences and repeat the meaning and concept at the same time and create a coherent text. researches show that in Surah Al-Nahl, the verses are sometimes so related and tied together that if one of them is removed or moved, it causes ambiguity in the meaning and confusion of the audience. The application of the linguistic device of substitution in Surah Al-Nahl creates a tie and link of the co-classification and creates a cohesive chain that, respectively; The clausal substitute, then the nominal substitution, and in the ending the verbal substitution have the highest frequency. relation between the verses and the continuation of the meaning without repeating too many pronouns in accordance with the principle of linguistic economy is what is achieved in this surah by the intelligent and accurate use of substitution language device.

Keywords: cohesion, text, substitution, Surah Al-Nahl, Halliday and Hassan.

Cite this article: Saif Talib, Mehdi. Sajjadi, Seyyed Abulfazl. Anari Bezcheloi, Ebrahim. Omid Ali, Ahmad. (2024). *Analyzing the function of the linguistic device (substitution) in the blessed Surah "Al-Nahl" from the perspective of the text coherence theory of Ruqiyeh Hassan and Michael Halliday*, Vol. 15, New Series, No.54, Winter 2024. Pages:111-131.

DOI: 10.30479/lm.2023.18597.3525



© The Author (s).

Publisher: Imam Khomeini International University

***Corresponding Author:** Seyyed Abulfazl Sajjadi

Address: member of the faculty of the Department of Arabic Language and Literature, Arak University

E-mail: a-sajady@araku.ac.ir

بررسی کارکرد ابزار زبانی (جانشینی) در سوره مبارکه «النحل» از دیدگاه نظریه انسجام متن مایکل

هالیدی و رقیه حسن*

مهدی سیف^۱، سید ابوالفضل سجادی^۲، ابراهیم اناری بزچلوئی^۳، احمد امیدعلی^۴

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اراک، اراک، ایران.

^۲ دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اراک، اراک، ایران.

^۳ دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اراک، اراک، ایران.

^۴ استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اراک، اراک، ایران.

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۲/۰۱/۲۲

پذیرش:

۱۴۰۲/۰۹/۱۲

قرآن بلیغ‌ترین متنی است که در دسترس قرار گرفته است. برای بررسی و تحلیل این متن بی‌نظیر، پژوهشگران از روش‌ها و الگوهای مختلفی بهره گرفته‌اند. یکی از روش‌های نوین بررسی متن، در قالب نظریه انسجام متنی هالیدی و حسن مطرح گردیده است. این نظریه اساس درک روابط معنایی متن و یک معیار تشخیص متن از غیر متن است. بررسی متن سوره نحل از این دیدگاه و براساس روابط معنایی که منجر به ایجاد انسجام می‌شوند، می‌تواند نشان دهد که چگونه با ابزار زبانی جایگزینی، عنصری توانسته است با لفظی اندک، جانشین معنایی بسیار شود و از تکرار جلوگیری کرده و ضمن تکرار مفهوم و تداوم معنا و خط فکری، متنی منسجم و یکپارچه تولید کند. فهم عناصر جانشین ممکن نیست مگر با بازگشت به عناصر وابسته‌ای که پیش از آن‌ها داخل متن آمده؛ لذا از این رویکرد می‌توان برای درک میزان وحدت و یکپارچگی و کشف روابط عمیق معنایی آیات استفاده نمود. از این رو مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی با رویکردی زبان‌شناختی، به بررسی سوره نحل براساس کارکرد ابزار جانشینی برای فهمیدن نحوه انسجام‌آفرینی و برقراری پیوندهای معنایی در آیات پرداخته است. در این میان جانشینی جمله‌ای، سپس اسمی و در پایان فعلی با ایجاد پیوند از نوع هم‌طیغی و ایجاد زنجیره انسجامی به ترتیب؛ از بیشترین بسامد برخوردار هستند. همین امر باعث می‌شود نحوه آفرینش متن همراه با اقتصاد کلامی و روابط معنایی آن به شکل ملموس‌تری درک شود. کلمات کلیدی: انسجام، متن، جانشینی، سوره النحل، مایکل هالیدی و رقیه حسن.

استاد: سیف، مهدی؛ سجادی، سید ابوالفضل؛ اناری بزچلوئی، ابراهیم؛ امیدعلی، احمد (۱۴۰۲). بررسی کارکرد ابزار زبانی

(جانشینی) در سوره مبارکه «النحل» از دیدگاه نظریه انسجام متن مایکل هالیدی و رقیه حسن، سال پانزدهم، دوره جدید، شماره

پنجاه و چهارم، زمستان ۱۴۰۲: ۱۳۱-۱۱۱



DOI: 10.30479/lm.2023.18597.3525

حق مؤلف © نویسنده‌گان.

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

۱. مقدمه

زبان وسیله ارتباط بین انسان‌هاست و برقراری ارتباط و انتقال پیام از نویسنده به متن و از آنجا به مخاطب فرایند پیچیده‌ای دارد که تحلیل آن نیازمند شناخت ماهیت بنیادی ارتباط زبانی انسان‌هاست. زبان‌شناسی را علم مطالعه زبان تعریف می‌کنند که در اوایل قرن بیستم توسط دوسوسور رنگ علمی به خود گرفت و زبان‌شناسی متن شاخه‌ای جدید از زبان‌شناسی معاصر است که به مطالعه متون گفتاری یا نوشتاری می‌پردازد. البته زبان‌شناسی پیشینه کهن‌تری دارد و می‌توان بلاغت را گهواره زبان‌شناسی و پیشینه تاریخی دانش متن نامید. به نحوی که حتی در نظرات «عبدالقاهر جرجانی» یا «حازم قرطاجنی» نیز آثاری مرتبط با زبان‌شناسی متن یافت می‌شود. تا نیمه دهه شصت میلادی به جمله به‌عنوان واحد اساسی علم زبان‌شناسی و بزرگ‌ترین چیزی که زبان‌شناسی به آن احاطه داشت نگاه می‌شد و واحد زبانی از این جنبه قابل بررسی بود. از جمله بلومفیلد که معتقد بود یک جمله شکل زبانی مستقلی است که از طریق هیچ ترکیب دستوری در شکل زبانی بزرگ‌تر از آن وارد نمی‌شود. اما در نیمه‌های قرن بیستم توجه برخی زبان‌شناسان به بُعد ارتباطی زبان معطوف شد و از آنجا که جنبه ارتباطی زبان را در متن متبلور می‌دیدند، به جای جمله، متن را واحد بررسی زبان گرفتند و عده‌ای از ضرورت توسعه عرصه علم زبان‌شناسی صحبت کردند. بنابراین علم زبان‌شناسی جمله به‌سوی علم زبان‌شناسی متن یا فراتر از جمله حرکت کرد، همان‌طور که هریس در سال ۱۹۵۲م. گفت: «زبان به صورت تک کلمه یا تک جمله نیست، بلکه در متنی منسجم می‌آید، از گفتار یک کلمه‌ای شروع می‌شود تا اثر ده‌جلدی. لذا جملات همیشه باید فقط در ساختار متون به‌عنوان بخشی از یک گفتمان کلی تر تحلیل شوند» (العجمی، ۱۹۹۹: ۲۱). از دهه هفتاد میلادی تحقیقات زبان‌شناسی جدید به سمت بررسی متن رفته است و رویکردهای متن‌گرایانه منجر به پدید آمدن زبان‌شناسی متن شد و تعریف «متن از مفهوم و معنای حرفی جمله فراتر می‌رود و تبدیل می‌شود به مجموع جملاتی که یک فکر یا موضوع را گرد هم می‌آورد و جمله به معنای متن، یک موضوع تمام را بیان نمی‌کند» (عکاشه، ۲۰۱۴: ۹). زبان‌شناسی تا دهه هشتاد میلادی تحت سلطه مکتب صورت‌گرایی بود، اما کم‌کم مکتب شناخت‌گرایی و نقش‌گرایی نیز پیدا شدند. زبان‌شناسان نقش‌گرا به نقش زبان و واحدهای ساختاری آن اهتمام داشته و «نقش‌گرایان مهم‌ترین کاربرد زبان را ایجاد ارتباط بین انسان‌ها می‌دانند و از نظر آنان زبان ابزاری برای ایجاد ارتباط است. نقش‌گرایان با تأکید بر زبان به‌عنوان ابزار ارتباطی در واقع نقش ارتباط در شکل‌دهی دستور را مهم می‌دانند» (راسخ، ۱۴۰۰: ۱۲۱). یکی از پرآوازه‌ترین شاخه‌های نقش‌گرایی، دستور نظام‌مند - نقشی است که هالیدی آن را بنیاد نهاد و نظریه انسجام متن را براساس آن تکامل بخشید. انسجام متنی یکی از ابزارهای دقیق تحلیل روابط معنایی موجود در متون، خصوصاً متون مقدس و با حساسیت بالاست. با عنایت به اینکه سوره «النحل» هم مباحث سوره‌های مکی همچون معاد و توحید و هم بحث‌های سوره‌های مدنی همانند جهاد و هجرت را داشته و در آن موضوعات پراکنده‌ای مطرح شده، این پژوهش

قصد دارد با روش توصیفی - تحلیلی کارکرد ابزار زبانی جانشینی را بر پایه الگوی انسجام متنی هالیدی و حسن در متن آن مورد مطالعه قرار دهد. با توجه به اینکه در این الگو میزان انسجام و پیوستگی متن مورد بررسی قرار می‌گیرد و راهکارهای ارتباط‌گیری جملات یک متن با همدیگر و ایجاد پیوند و گره‌های انسجامی شناسایی می‌شوند؛ راه‌های انتقال مفهوم به مخاطب، از آغاز تا پایان و در طول متن شناسایی شده و ارزیابی می‌شود، می‌تواند میزان مناسبی برای تحلیل و فهم متن قرآن به حساب آید؛ زیرا نمی‌توان برخی عناصر متن را جز با در نظر گرفتن رابطه آن‌ها با دیگر عناصر، تفسیر و تحلیل کرد. به عبارت دقیق‌تر این پژوهش درصدد است تا کاربست ابزار زبانی جانشینی را در متن سوره «النحل» مورد واکاوی قرار دهد. این عمل به خواننده کمک می‌کند تا با انتزاع لایه‌های معنایی زیرین و پی‌بردن به زوایای نامکشوف و رویکرد قرآن در مورد ایجاد خط ممتد فکری با رعایت اقتصاد کلامی در متن سوره «النحل» و نحوه ایجاد ارتباط عمیق جملات و آیات با یکدیگر؛ فهم عمیق‌تری نسبت به متن آن داشته باشد و بدین وسیله چگونگی یکپارچگی و انسجام متن این سوره مبارکه مشخص گردد و تحلیل‌گر بتواند در نهایت برای سؤالات مطرح شده ذیل پاسخ منسجم و فراگیر علمی بیابد.

- کارکرد بلاغی و انسجام‌آفرینی ابزار زبانی «جایگزینی» در سوره مبارکه نحل چگونه بازتاب یافته است.

- بسامد ابزار انسجامی دستوری، جایگزینی در سوره مبارکه نحل چگونه و دارای چه نکاتی است.

۱-۱. پیشینه پژوهش

در این زمینه پژوهش‌ها و تحقیقاتی ارائه شده است که البته کمتر به بررسی بلاغی و انسجام‌آفرینی ابزار زبانی جانشینی توجه کرده‌اند و بیشتر به صورت بیان آمار و ارقام میزان به‌کارگیری ابزارهای انسجامی متن پرداخته‌اند که از این جمله:

- «کارایی نظریه هالیدی و حسن در ترسیم انسجام متنی سوره مزمل» (عزت ملا ابراهیمی و زهرا رضایی، ۱۳۹۹). نویسندگان در این مقاله به بررسی کمی انسجام و پیوستگی متن براساس الگوی هالیدی و حسن در سوره مبارکه «مزمل» پرداخته‌اند و نتیجه گرفته‌اند که در سوره مزمل انواع عوامل انسجامی به تعداد ۲۳۲ مورد در هر سه سطح واژگانی، دستوری و پیوندی وجود دارد.

- «کارایی نظریه هالیدی در ترسیم انسجام متنی سوره‌های قرآن» (محمد خامه‌گر، ۱۳۹۷). پژوهشگر در این مقاله با بررسی برخی آیات از سوره‌های مختلف و وارد کردن شش نقد بر نظریه انسجام نقش‌گرای هالیدی به این نتیجه دست می‌یابد که این نظریه برای تحلیل همه ابعاد انسجام متنی کافی نیست.

- «بررسی عناصر انسجام متنی در سوره لقمان براساس نظریه نقش‌گرای مایکل هالیدی و رقیه حسن» (حسین مهتدی، ۱۴۰۰). این مقاله پس از تبیین کاربست اجمالی تمامی عناصر انسجامی متنی نقش‌گرای هالیدی و حسن در این سوره به این نتیجه می‌رسد که در سوره لقمان تنها چهار مورد جانشینی به‌کار رفته

است و از تحلیل چگونگی برقرار ارتباط معنایی عناصر جانشین و ظرایف بلاغی آن بازمی ماند همچنین بیشتر به بررسی آماری سایر عناصر انسجام بخش از انواع واژگانی، پیوندی و دستوری می پردازد.

– «Cohesive Devices in the Short Suras of the Glorious Quran» (عاصم الیاس، ۲۰۱۴). نویسنده به بررسی ابزارهای انسجامی براساس مدل هالیدی و حسن در سوره های کوتاه قرآن مجید می پردازد. این مقاله نتیجه می گیرد که اصلی ترین ابزارهای انسجام متنی در سوره های کوتاه قرآن واحد صوت است. سپس ارجاع، تکرار، ربط و مترادف و کم استفاده ترین ابزارهای انسجام متنی، جانشینی، حذف، شمول معنایی و متضاد هستند.

– «ارزیابی مقایسه ای ابزارهای انسجام در سوره طارق و ترجمه آن از محمدمهدی فولادوند: از دیدگاه نظریه هالیدی و حسن» (محمدتقی زندوکیلی و محمدحسن امرایی، ۱۳۹۶). این مقاله با نگاهی متن بنیاد سعی دارد عوامل و میزان انسجام در سوره طارق و ترجمه آن را مشخص کرده و متن، مبدأ و مقصد را با هم مقایسه نماید و این نتیجه را بیان نموده که بسامد انسجام واژگانی الفاظ در سوره بیشتر از ترجمه منتخب است.

– «کارکردهای بلاغی و انسجام آفرینی جانشین های اشاره ای در سوره مبارکه حج» و ترجمه های آن از فولادوند، حرمشاهی و محدث دهلوی» (زهرا کوچکی نیت، ابراهیم اناری بزچلوئی، سید ابوالفضل سجادی و دیگران، ۱۳۹۸) نویسندگان در این پژوهش با استفاده از نظریه هالیدی و حسن به بررسی جانشینی اسم های اشاره در سوره مبارکه حج و چگونگی برگرداندن آن ها در ترجمه های منتخب پرداخته و در نهایت این نتیجه را عنوان نموده اند که مترجمان در مقایسه با یکدیگر از الگویی یکسان برای تصریح پیروی نکرده اند و بیشترین موارد تصریح در ترجمه فولادوند است.

– «تحلیل زیبایی شناسی آیات قرآن کریم برپایه عنصر انسجام و پیوستگی بررسی نمونه ای سوره های جزء سی ام» (قاسم مختاری و مهرانگیز خدابخش نژاد، ۱۳۹۷) این مقاله تلاش نموده تا کارکردهای هنری و زیبایی شناختی انسجام و پیوستگی در بعضی آیات جزء سی ام را بررسی نماید و بیان نموده که عنصر انسجام نقش برجسته ای در آشکار کردن زیبایی ها و اسرار قرآن دارد.

در زمینه انسجام در قرآن، پژوهش هایی که انجام شده اغلب به جنبه صرفاً آماری تمامی عناصر انسجامی متن پرداخته اند؛ اما براساس پژوهش های نگارندگان تاکنون هیچ پژوهشی کارکرد عنصر «جانشینی» را در انسجام آفرینی سوره «النحل» بررسی نکرده است. همچنین این مقاله بیشتر به تبیین نحوه برقراری ارتباط معنایی بین آیات و ظرایف معنایی براساس رویکرد حاضر می پردازد، لذا این پژوهش در نوع خود کاری تازه و جدید است.

۲. بحث و بررسی

ابتدا نگاهی به مبانی نظری بحث از دیدگاه زبان‌شناسی می‌اندازیم و سپس به تطبیق آن می‌پردازیم.

۲-۱. متن

در ابتدا باید در مورد متن صحبت کنیم و بدانیم که «محصول نهایی فرایند سخن به صورت متن نوشتاری یا گفتاری به مخاطب ارائه می‌شود و هر تغییری در سازمان و آرایش متن انعکاسی از تغییر در معنا و محتواست و اینکه متن عبارت است از یک یا چند جمله که دارای معنا یا پیام معینی باشد» (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۹۹: ۱۱۰) و «هر برش زبانی، اعم از گفتاری و نوشتاری، را می‌توان متن تلقی کرد، به شرط اینکه توسط افراد واقعی و در موقعیت واقعی به منظور ایجاد ارتباط بیان شده باشد» (5-6:2004, Bloor).

۲-۲. انسجام متنی

اصطلاح Cohesion به معنی «انسجام» را در سال ۱۹۷۶م، هالیدی و حسن در نظریه‌ای به نام (Cohesion in English) مطرح نمودند و بعدها آن را توسعه دادند. در توضیح انسجام می‌توان گفت: «یک مفهوم معنایی است که به روابط معنایی موجود در متن، اشاره می‌کند و شناسایی متن از غیر متن را میسر می‌سازد» (Halliday & Hasan, 1976: 4). متن تنها از یک یا چند جمله که معنا یا پیام معین دارد تشکیل نشده، بلکه در داخل متن روابط معینی که بین جمله‌ها برقرار است آن را تشکیل می‌دهد. در مطالعات سخن‌کاوی مجموعه این روابط بین جمله‌ای که آفریننده متن است انسجام متنی نامیده شده است (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۱: ۱۰). و نیز «انسجام به سازوکار درون‌متنی زبان گفته می‌شود که سخنور را در ایجاد و برقراری ارتباط در هر جمله یا بین جملات یاری می‌دهد. انسجام کلیه روابطی را شامل می‌شود که در آن عنصری از یک جمله با عناصر جملات ماقبل/ مابعد در تعامل و ارتباط باشد» (نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۷: ۶۰). و می‌توان این‌گونه گفت که «انسجام عبارت است از ابزارهای زبان‌شناختی گوناگون اعم از دستوری، واژگانی و معنایی که باعث پیوند جمله‌ها با یکدیگر می‌شوند و در قالب واحدهای بزرگ‌تری چون بند به هم متصل می‌شوند» (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۹). «انسجام زمانی شکل می‌گیرد که یک ابزار تلویحی با ارجاع به واحدی از متن تفسیر می‌شود» (هالیدی و حسن، ۱۳۹۳: ۱۷۷). درنهایت می‌توان بیان کرد که «انسجام به مناسبات معنایی اشاره دارد که به کلام یکپارچگی و وحدت می‌بخشد و از آن به مثابه یک متن، از مجموعه جملات جداگانه و نامربوط متمایز می‌کند» (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۶۳). «هالیدی و حسن در سال ۱۹۷۶ عوامل ایجاد انسجام غیرساختاری متن را به سه دسته الف: دستوری ب: پیوندی ج: واژگانی، تقسیم کردند» (ایشانی، ۱۳۹۵: ۴۰). پژوهشگران زبان عربی هم

در ترجمه و انتقال معنای آن اختلاف داشته‌اند، لذا برخی چون سعد مصلوح و تمام حسان آن را با «السبک» و محمد الخطابی با «الاتساق» و الهام ابوغزاله و علی خلیل احمد با «التضام» هم‌معنا دانسته‌اند و هرکدام به شیوه‌ای انسجام متنی را تشریح کرده‌اند.

ابزارهای انسجام دستوری خود به ارجاع، جانشینی و حذف تقسیم گردیده که در مقاله حاضر سعی شده تا با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی عامل انسجام متنی جانشینی یا جایگزینی در سوره نحل بررسی شود و بنا داریم ضمن بررسی آن، پیوندهای انسجامی، کارکردهای بلاغی و زیبایی‌شناختی و میزان بسامد آن را دریابیم. باید دانست که جانشینی و ارجاع از این نظر شباهت دارند که در هر دو فرایند، عنصری زبانی جای عنصری دیگر که قبل از خودش در متن آمده است، می‌نشیند. اما تفاوتشان در این است که جایگزینی چندان مقید به بافت نیست، بنابراین ابزار جانشینی خود به‌تنهایی یکی از کاربردی‌ترین وسایل ایجاد انسجام متنی در قرآن است.

۲-۳. جانشینی

(substitution) که در عربی به آن اصطلاح «الإستبدال» گفته می‌شود، «یکی از اشکال انسجام متنی است که در سطح واژگی دستوری صورت می‌پذیرد، و عملیاتی است که در داخل متن شکل می‌گیرد و آن تعویض عنصری در متن با عنصری دیگر است» (بوقره، ۲۰۰۹: ۸۳). «در این عامل انسجامی، مدلول هر دو واژه یکی است، اما لفظ دال بر آن تغییر یافته است؛ لذا این عامل جایگزینی را می‌توان از انواع تکرار معنایی نیز شمرد» (ولیی و دیگران، ۱۳۹۵: ۷۸). «عنصر جانشین می‌تواند اسم، فعل و یا جمله باشد. به این ترتیب جانشینی ممکن است در سطح یک واژه، یک گروه و یا یک جمله باشد» (ایشانی، ۱۳۹۵: ۴۳). جایگزینی از آن رو که ذهن خواننده را به ماقبل ارجاع می‌دهد، سبب ارتباط اجزاء مختلف کلام می‌شود. این مؤلفه در قرآن به‌کار رفته، ولی پژوهشگران به آن بی‌توجه و بی‌مهر بوده‌اند؛ درحالی‌که با تبیین آن به نکات جالبی می‌توان دست یافت. «جایگزینی در واقع جای گرفتن عبارت زبانی در جای عبارت معین زبانی دیگر است و عبارت اول را «مستبدل‌منه، substitutendum» و عبارت دیگر را که در محل آن قرار می‌گیرد «مستبدل‌به، substituens» می‌نامند و هرگاه مستبدل‌منه و مستبدل‌به در یک متن پشت سر هم قرار بگیرند با هم دیگر ارتباط دستوری خواهند داشت و در حالت جایگزینی دستوری، مستبدل‌منه و مستبدل‌به، مطابقت ارجاعی وجود دارد» (زتسیسلاف و اورزنیاک، ۲۰۰۳: ۶۱).

زبان‌شناسان ابزار جانشینی را به سه نوع دسته‌بندی کرده‌اند:

الف: جانشین اسمی (Nominal Substitution): عناصر زبانی اسمی جایگزین گروه اسمی می‌شود.

ب: جانشین فعلی (Verbal Substitution): عنصری جایگزین گروه فعلی شود.

ج: جانشین جمله‌ای (Clausal Substitution): وقتی عنصری جایگزین کل یک جمله می‌شود (خطابی، ۱۹۹۱: ۲۰).

باید توجه داشت «با وجود تشابه زیاد در کاربرد ابزارهای انسجامی بین زبان عربی و انگلیسی، اختلاف وجود دارد، برای نمونه در مثل «ابدال: جانشینی، جایگزینی» بدل در عربی نوعی از توابع شناخته شده است و نیز کاربرد انسجام متنی دارد، اما با جانشینی در انگلیسی متفاوت است؛ زیرا از نظر آنها جانشینی در مقابل ترکیب «کذکک» در زبان عربی است، و مثل این ترکیب را در عربی بدل نمی‌دانند و از این جهت ارتباطی میان «ابدال: جانشینی» و «بدل» از جنبه دستوری و ترکیبی نیست. اما از جنبه ترکیبی «SO» برای آنها کاربرد جانشینی دارد و بدل نیز در عربی با وجود تابع بودن، یکی از وظایف انسجام آفرینی است» (الفقی، ۲۰۰۰، ج ۱: ۱۱۷).

۴-۲. اقتصاد زبانی (Linguistic economy) و جایگزینی

«اقتصاد زبانی به این معنا است که سخن‌گویان زبان سعی می‌کنند از ساده‌ترین راه کم‌ترین کوشش را برای تولید و درک زبان بکنند» (Newmeyer, 1998: 126). شرط اقتصاد کلامی، عدم ایجاد خلل در بار معنایی سازه زبانی است و اینکه به هدف اصلی زبان که انتقال معنا است لطمه‌ای وارد نشود. «جایگزینی یکی از روش‌های کم‌کوشی است و یکی از فرایندهایی است که در زبان قرآن کاربرد زیادی دارد به طوری که یک کلمه قدرت ذخیره‌سازی مفاهیم زیادی را در دل خود دارد و به جای یک کلمه دیگر به کار می‌رود و این تراکم معنایی را که یک کلمه در خود حمل می‌کند هم باعث صرفه‌جویی در زمان و هم باعث کمتر درگیر کردن عضلات زبان و دهان می‌شود و هم سرعت انتقال مطلب را تسریع می‌بخشد» (رسول نیا و جعفری نژاد، ۱۳۹۶: ۵۳-۷۰) براساس مطالب بیان شده؛ ابزار زبانی جانشینی شیوه ارتباط معنایی و اقتصاد کلامی آیات را قابل درک می‌کند.

۳. کارکرد جانشینی در انسجام آفرینی سوره نحل

در این سوره ابزارهای زبانی جانشینی انسجام آفرین در سه حوزه جمله‌ای، اسمی و فعلی مورد بررسی قرار می‌گیرد و به نقش آن‌ها در ایجاد انسجام و ایجاز بیانی اشاره می‌شود.

۳-۱. جانشین‌های جمله‌ای

۳-۱-۱. امکان دارد که اسم اشاره جانشین عنصر دیگری شود که پیش از آن آمده است، بنابراین اسم اشاره جانشین جمله قبل از خود می‌شود. در آیه «يُنَبِّئُكُمْ بِهَ الزَّرْعِ وَ الزَّيْتُونِ وَ التَّنْحِيلِ وَ الْأَعْنَابِ وَ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل/۱۱) «إِنَّ» حرف مشبهه بالفعل و «فی ذلک» خبر مقدم، «لام»

مزلحقه، «آیه» اسم إنّ و «لقوم» صفة آیه و جمله «یتفکرون» صله قوم است (الدرویش، ۱۴۱۵ق، ۴: ۲۲۶). گرچه در اسم اشاره بین ارجاع و جانشینی تداخل وجود دارد؛ اما در واقع هم عنصر ارجاع است و هم جانشینی پس برخی حالات سبک متنی را می‌توان با هر دو ابزار تفسیر کرد (رمضان‌نجار، ۲۰۰۶: ۳۱۶). در این آیه اسم اشاره «ذلک» جانشین چند بند از جمله شده است و بجای آنها به کار رفته است و موجب ایجاز و زیبایی آیه و انسجام گردیده است؛ زیرا جانشین یک جمله کامل شده که فقط با یک کلمه به آن اشاره دارد و به تعبیری دقیق آن را بیان می‌کند (ر.ک: عادل‌گعیّد، ۲۰۱۲: ۱۲۴). می‌بینیم که «ذلک» اشاره می‌کند به «نعم» مذکور که در تمامی جمله‌های پیشین ذکر شده و در اینجا انسجام از طریق وجود «ذلک» که به وسیله جمله‌های ماقبل تفسیر می‌شود بوجود آمده است (الفقی، ۲۰۰۰: ۱۶۳)؛ بنابراین در آیه لفظ «ذلک» جانشین آیه ۱۰ و کل جمله‌های پیش از خود در آیه ۱۱ است که اشاره دارد به بارش باران و تاثیر آن بر شکافتن دانه‌ها و رشد به صورت گیاه یا درخت با ساقه و برگ و انواع میوه‌های گوناگون که غذای دام و انسان است که نشان از کمال علم و قدرت و حکمت الهی دارد و این همه لفظ و معنا را با ابزار انسجامی جانشینی بر وجه ایجاز به هم پیوند از نوع هم‌طبقه بودن داده و گره انسجامی محکمی را به منظور تفکر ایجاز کرده است (ر.ک: آلوسی، بی تا، ۱۴: ۱۰۸).

۲-۱-۳. آیه شریفه ﴿وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِ إِنْ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ (نحل/۱۲) پس از آیه قبلی که برخی نعمت‌های الهی را بر شمرده، اشاره می‌کند به شب و نشانه‌های آن «ماه و ستارگان» و روز و نشانه آن «خورشید» که همگی برای بهره‌مندی انسان رام و مسخر شده‌اند و خداوند پس از بیان آنها بار دیگر با اسم اشاره «ذلک» تسخیر آیات بزرگ الهی را تکرار نموده است و آنرا جایگزین این تسخیر عظیم نموده است (ر.ک: البقاعی، ۱۴۸۰م، ج ۱۱: ۱۲۱؛ آلوسی، بی تا، ج ۱۴: ۱۱۰).

۳-۱-۳. در این آیه ﴿وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً لِّقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ﴾ (نحل/۱۳) همانگونه که در دو آیه قبل صحبت از نعمت‌های الهی و لزوم تفکر و تعقل سخن به میان آمد نیز سخن از نعمت‌های دیگر برای انسان است که با فعل «ذرا لکم» به معنای «خلق لکم» بیان شده و ذرا برای چیزهایی است که از طریق زاد و ولد خلق شده‌اند و «إنبات» به معنی «ذرا» نیست؛ در حالیکه رنگ‌های متفاوت دارند (و برخی از مفسران «الوان» را مجاز به معنی اصناف دانسته‌اند) و برخی مفسران این آیه را همچون خلاصه حساب آیات پیش می‌دانند و مشارالیه را تسخیر و برخی دیگر «الوان» و برخی مشار الیه را خلقی که خدا به رنگ‌های مختلف آفریده و برخی نیز اختلاف رنگ‌ها با وجود اصل واحد در آفرینش، دانسته‌اند (ر.ک: آلوسی، بی تا، ۱۴: ۱۱۱؛ البقاعی، ۱۴۸۰م، ۱۱: ۱۲۳؛ ابن عاشور، ۱۹۸۴م، ۱۴:

۱۱۷). و بر همین اساس ذلک جانشین معنا و مفهوم و جمله و حتی جملات پیش از خود گردیده و با ایجاز موجب بالابردن ادبیت متن گردیده و انسجام آفرینی کرده است.

۳-۱-۴. در آیه شریفه ﴿جَنَّتْ عَدْنٌ يَدْخُلُونَهَا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ﴾ (نحل/۳۱) خداوند با لفظ «کذلک» که مرکب است از (کاف، اسم بمعنی مثل + ذا، اسم اشاره؛ لام برای بُعد+کاف حرف خطاب) (عبدالواحد صالح، ۱۹۹۳، ج ۶: ۱۳۹). به قصد تمییز جزاء و پرتنگ کردن آن از اسم اشاره استفاده کرده است (ابن عاشور، ۱۹۸۴، م، ۱۴: ۱۴۳). در حقیقت «ذلک» جانشین کل عبارت قبل از خود بوده است و بیانگر شدت اهمیت جزای متقین است و با ایجاده گره موجب انسجام در سطح کلان در متن سوره گردیده است.

۳-۱-۵. (هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ أَمْرٌ رَبِّكَ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ) (نحل/۳۳) از آنجا که کافران شرک ورزیدند و پیامبر را دروغگو پنداشتند خداوند می-فرماید کافرانی که پیش از این بودند نیز انجام دادند مثل آنچه که اینها از تکذیب پیامبران و انکار توحید انجام دادند و این امری زشت و دور از روش عقلاء است؛ خداوند برای اینکه نشان دهد که غیر از اینها هم کسانی چنین کاری کرده‌اند و به کیفر گرفتار شده‌اند (ر.ک: طبرسی، بی تا، ج ۶: ۱۳۷). از لفظ «کذلک» استفاده کرده تا پیوند و انسجام بین آیه را مستحکم نماید و آن را جانشین عبارات پیش از خود نموده است.

۳-۱-۶. در آیه شریفه ﴿وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ نَحْنُ وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَهَلْ عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾ (نحل/۳۵) اشاره «کذلک» به شرک ورزی و حرام دانستن برخی اشیاء از طرف خودشان باز می‌گردد و جانشین مضمون آیه پس از «قال» و پیش از خود شده یعنی غیر خدا را پرستیدند و از پیش خود چیزهایی را که خدا حرام نکرده بود حرام کردند (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۱۲: ۳۵۱؛ ابن عاشور، ۱۹۸۴، ج ۱۴: ۱۴۸).

۳-۱-۷. در این آیه نیز ﴿يَتَوَارَى مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَى هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ﴾ (نحل/۵۹) خداوند از حس شرمساری و احساس حقارت برخی کفار هنگام تولد فرزند دختر سخن به میان آورده و آن را محکوم می‌نماید. وقتی که آن شخص به فکر فرو می‌رود که آیا دختر را با خواری نگه دارد یا زنده بگورش کند؟! در واقع در حال داوری و قضاوت نابجا درباره کشتن دختران با وجود برابری آنها با پسران در ولادت است و خداوند این افکار و داوری بد را با جایگزینی واژه «یحکمون» بجای جمله «أَيُمْسِكُهُ عَلَى هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ» به خوبی بیان فرموده و از تکرار این جمله نسبتا بلند با یک فعل و رعایت ایجاز، که بیانگر کل جمله مذکور است جلوگیری کرده، و

بدین صورت پیوند و گره انسجامی بین این آیه و حتی آیات پیشین را به خوبی برقرار کرده است (ر.ک: طبرسی، بی تا، ج ۶: ۱۵۱).

۳-۱-۸. خداوند در آیه مبارکه ۶۶ از شیری گوارا سخن می گوید که از میان خون و علف هضم شده به نوشندگان می نوشاند ﴿وَإِنْ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةٌ لِّتُؤْتُوا مِنِّي مِمَّا فِي بُطُونِهِمْ مِنْ بَيْنِ ذُرِّيَّتِهِ وَمِذَامِ لَبَنٍ خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ﴾ (نحل/۶۶) و سپس در آیه بعد اشاره می کند به آفرینش میوه های خرما و انگور که از آنها رزق حلال و شراب حرام می گیرند. ﴿وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ (نحل/۶۷) خداوند در انتهای این آیه با جانشین کردن اسم اشاره «ذلک» بجای کل مضمون دو آیه پیش از خود، به زیبایی انسجام متنی را با ایجاد گره و پیوند خلق کرده و ارتباط معنایی مستحکمی بین آیات برقرار نموده است.

۳-۱-۹. در آیه ﴿ثُمَّ كَلِمَةٍ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (نحل/۶۹) «ذلک» جانشین مضمون کل آیه ۶۸ و ۶۹ شده است. خداوند زنبور عسل را به علوم دقیق مجهز می کند همچون ساخت خانه های شش ضلعی و جمع آوری اجزای تشکیل دهنده عسل از درختان و گیاهان و خروج عسلی با رنگ های مختلف و شفا بخش (ر.ک: طبرسی، بی تا، ج ۶: ۱۵۸؛ الرازی، ۱۹۸۱م: ۷۶). در واقع گاهی معنای حاضری که بیشتر آمده است با اسم اشاره به دور ذکر می شود به دلیل اینکه معنا با حس، قابل درک نیست گویی که دور است (التفتازانی، ۱۳۹۶ ش: ۱۶۵). لفظ ذلک جانشین معنایی شده که به راحتی قابل حس کردن نیست و گویی که دور از دسترس است.

۳-۱-۱۰. در جمله «كَذَلِكَ يُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ» در آیه ﴿وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِمَّا خَلَقَ ظِلَالًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيكُمْ الْحَرَّ وَسَرَابِيلَ تَقِيكُمْ بَأْسَكُمْ كَذَلِكَ يُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ﴾ (نحل/۸۱) می بینیم که «ذلک» جانشین کل مضمون آیه ۸۰ و ۸۱ شده است و مشارالیه همان نعمت های مذکور است و بیان می کند که مثل آن اتمام نعمت در گذشته نعمتش را در آینده بر شما تمام می کند. و اتمام نعمت در آینده را تشبیه می کند به آنچه که پیش از آن اتفاق افتاده و در واقع بجای بازگویی تمامی نعمت ها در دو آیه مذکور واژه «ذلک» را جانشین کرده و با ایجاد گره انسجامی در دو آیه پیوند معنایی آنها را مستحکم کرده است. اسم اشاره مفرد از این ویژگی برخوردار است که مولفین آن را «ارجاع گسترده» می نامند، یعنی امکان ارجاع به کل یک جمله یا چندین جمله پشت سر هم (الخطابی، ۱۹۹۱: ۱۹).

۳-۱-۱۱. تنوین عوض در آیه ﴿وَأَلْقُوا إِلَى اللَّهِ يَوْمَئِذٍ السَّلَامَ وَصَلَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ﴾ (نحل/۸۷) جایگزین مضمون آیات ۸۴، ۸۵ و ۸۶ شده و «جایگزینی جمله ای که در آن، کلمه یا عنصری، جانشین یک یا

چندین جمله می شود» (رمضان النجار، ۲۰۰۶: ۲۰). در اینجا به کار رفته است. و با ایجاد ارتباط معنایی، از تکرار صورت آنها جلوگیری کرده است. در آیه فوق تنوین عوض به آخر «إذ» اضافه شده در عوض جمله؛ و اصل این بوده «یوم إذ نبعث من کل امة شهیدا..» «یعنی روز قیامت، آنگاه که از هر امتی گواهی بر می انگیزیم» (ر.ک: البقاعی، ۱۴۸۰م، ج ۱۱: ۲۳۱). سپس جمله مضاف الیه آن حذف شده به خاطر علم به آن و تنوین جایگزین آن گردیده است (ر.ک: ابن هشام، ۱۳۶۷: ۴۴۷).

۲-۳. جانشین های اسمی

۱-۲-۳. در آیه ﴿فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَلَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ﴾ (نحل/۲۹) خداوند با جایگزین کردن لفظ «مثنوی» بجای «جهنم» از تکرار لفظ جلوگیری کرده و به قصد افزودن معنایی دقیق توانسته است انسجام و پیوند و هماهنگی در آیه برقرار نماید و اگر لفظ «دار» را جانشین جهنم می نمود ظرافت معنی از بین می رفت؛ چرا که لفظ «ثوی» به معنای مرجع است و مقام. خداوند برای اهل جهنم کلمه «دار» را انتخاب نکرده زیرا آنها در جهنم مثل اهل خانه نیستند؛ بنابراین «مثنوی» به منظور تحقیر آنها به کار رفته است (ر.ک: ابن عاشور، ۱۹۸۴م: ۱۴۰).

۲-۲-۳. پس از ذکر اسم جلاله «الله» در آیه قبل و بیان اجر مهاجرین در راه خدا، آیه ﴿الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ (نحل/۴۲) توانسته است با جایگزینی لفظ «رب» بجای «الله» ضمن برقراری انسجام متنی و ایجاد گره معنایی در دو آیه، از تکرار آن جلوگیری کرده و معنایی همسان و مناسب برای این آیه ایجاد نماید. همانطور که در آیه قبل تصریح به اسم جلاله «الله» بخاطر نشان دادن بزرگی اجر هجرت در راه خدا بود؛ در این آیه لفظ «رب» را جایگزین «الله» نموده تا معنای «رب» همسوتر با «یتوکلون» باشد. راغب در توضیح «رب» می گوید: «الرَّبُّ فِي الْأَصْلِ التَّرْبِيَّةُ وَهُوَ إِشَاءُ الشَّيْءِ حَالًا فَحَالًا إِلَى حُدِّ التَّمَامِ، فَالرَّبُّ مُصَدَّرٌ مُسْتَعَارٌ لِلْفَاعِلِ وَلَا يُقَالُ مُطْلَقًا إِلَّا لِلَّهِ تَعَالَى الْمُتَكَفَّلُ بِمُصَلِّحَةِ الْمَوْجُودَاتِ» (الأصفهانی، بی تا: ۱۸۴). و در مورد «توکل» نیز می گوید که: «توکلت علیه بمعنی اعتمدته» (همان: ۵۳۱) از مقارنه واژه «رب» و «توکل» می فهمیم که به خوبی با هم به کار رفته اند؛ به معنی اعتماد بر کسی که عهده دار مصلحت موجودات است.

۳-۲-۳. در آیه ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (نحل/۴۳) نیز لفظ «رجالاً نوحی إليهم» جانشین لفظ «رسولاً» در آیه ۳۶ شده است و به جای آن و به یک معنا به کار گرفته شده است «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا...» و با ایجاد گره و ارتباط معنایی از طریق ابزار جانشینی به برقراری انسجام کمک کرده است و ضمن اینکه در معنا و جایگزین لفظ پیشین خود است، این ابهام منکران را رفع نموده که رسولان خدا مردانی از جنس بشر بوده اند و نه فرشته، بنابراین بخوبی از تکرار

صورت یک لفظ جلوگیری کرده و ارتباط معنایی بین دو آیه برقرار کرده است (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۱۲: ۳۷۴).

۳-۳. جانشین‌های فعلی

۳-۳-۱. چنانکه در آیه (نحل/۳۳) پیش از این ذکر شد، خداوند فعل «فَعَلَ» را جانشین «یَنْظُرُونَ» نموده است که در واقع به همان معنا در اینجا تفسیر می‌شود و با ایجاد گره و پیوند انسجामी بین قبل و بعد در این آیه با رعایت ایجاز از تکرار یک صورت لفظی جلوگیری نموده است. جایگزینی فعلی آن چیزی است که در آن فعلی بجای فعل دیگر که پیش از آن آمده می‌گردد که در انگلیسی (do) با صیغه های مختلف و در عربی ماده (فعل) با صیغه های مختلفش آن را به نمایش می‌گذارند (رمضان النجار، ۲۰۰۶: ۲۰).

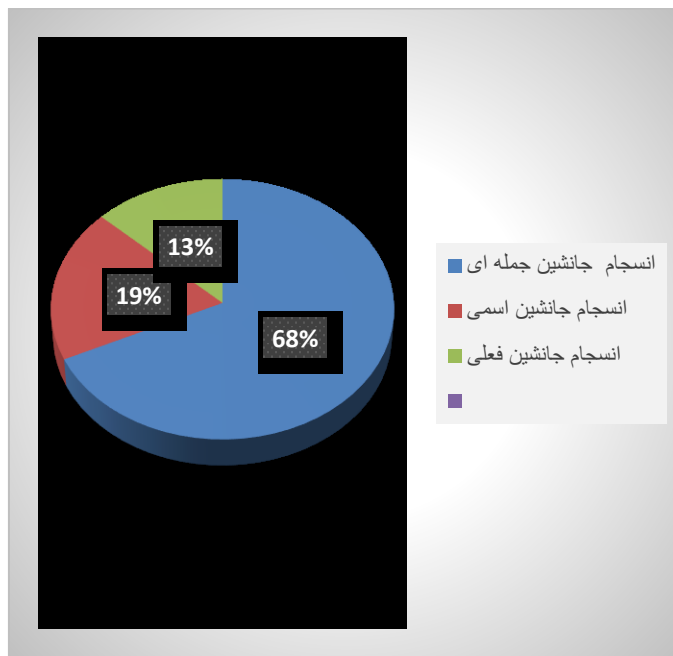
۳-۳-۲. در آیه (نحل/۳۵) نیز «فعل» با جمله پیش از خود ارتباط برقرار کرده و جانشین «قال» شده است به این صورت که «کافران پیامبران را تکذیب کردند و آیات الهی را منکر شدند، گفتند مثل گفتار آنها را» (ر.ک: طبرسی، بی تا، ج ۶: ۱۳۹) بنا بر این «فعل» از تکرار «قال» جلوگیری کرده و با ارتباط انسجामी از طریق جانشینی فعلی توانسته است به زیبایی همان بار معنایی را داشته باشد (مثل ذلک المقول قال الذین اشركوا).

۳-۳-۳. در آیه شریفه «وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يُعَلِّمُ مَا تَعْلَمُونَ» (نحل/۹۱) فعل «تفعلون» جایگزین مضمون آیه گردیده یعنی نقض سوگند و عهد و وفای به آن (طبرسی، بی تا، ج ۶: ۱۷۴؛ بیضاوی، بی تا، ج ۳: ۲۳۸) که آیه را به هم گره زده است. جانشینی یکی از ابزارهای اقتصاد کلامی در زبان به حساب می‌آید اینگونه که مولف از تکرار خود عبارت پرهیز می‌کند و اجازه می‌دهد معنا به شکل پیوسته و ادامه دار در ذهن خواننده حفظ شود، بدون اینکه نیاز باشد بار دیگر به آن تصریح شود (قیاس، ۲۰۰۹م: ۱۲۱). طباطبائی کل عبارت «إِنَّ اللَّهَ يُعَلِّمُ مَا تَعْلَمُونَ» را تاکید نهی می‌داند و معتقد است که «تفعلون» جایگزین «تنقضون» است که خداوند از آن نهی فرموده است (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۱۲: ۴۸۳).

۳-۳-۴. این آیه به بیان مثالی می‌پردازد «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقًا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (نحل/۱۱۲) از یک قریه که اهلس در امنیت و وسعت رزق بودند که به نعمت‌های الهی کافر شدند و خداوند به آنها لباس ترس و گرسنگی چشانید بخاطر آنچه که انجام می‌دادند. واژه «صنع» اینگونه معنا شده: الصُّنْعُ إِجَادَةُ الْفِعْلِ، فكلُّ صُنْعٍ فِعْلٌ و ليس كل فعلٍ صنْعاً (الأصفهانی، بی تا، ۲۸۶)؛ بنابراین واژه «یصنعون» به خاطر اشتغال «صنع» به معنای «فعل» بر

معنای «کفر» در این آیه و به دلیل معنای عامی که دارد چنانکه معنای «کفرت» در فعل «یصنعون» استمرار یافته، جانشین عبارت «فَكَفَّرْتُ بِأَنْعَمِ اللَّهِ» شده است و ضمن تداوم معنا در جمله با ایجاد گره و پیوند انسجامی از تکرار صورت عبارت جلوگیری کرده است.

شکل (۱) نسبت هر یک از انواع ابزارانسجامی جانشینی در سوره النحل



نمودار بالا با استفاده از روش آماری درصد هر یک از انواع ابزار انسجامی جایگزینی را در سوره «النحل» نشان می‌دهد.

نتیجه

از آنچه که در این پژوهش بررسی گردید می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که جایگزینی یکی از ابزارهای انسجام‌آفرین و اقتصاد زبانی است که موجب ایجاز در این سوره شده. این جایگزینی سبب برقراری ارتباط معنایی و مانع به‌کارگیری عناصر ارجاعی مکرر همچون ضمائر شده که موجب ملالت خاطر و طولانی‌تر شدن متن می‌شوند.

بررسی ابزار زبانی جانشینی در این سوره نشان می‌دهد که سازوکار به‌وجود آمده توانسته مانع از سردرگمی مخاطب در طول متن شود و به زیبایی اغراض آیات را بازنمایی نموده و همچنین با تکرار معنایی آیات بر متن آن‌ها تأکید کند.

با بررسی این ابزار زبان‌شناسی متن در این سوره مشخص شد که گرچه این اصطلاح زبان‌شناسی نسبتاً جدید است، اما با توجه به نمونه آیاتی که بررسی شد و نظر برخی از مفسران که ذیل آیات ذکر گردید، درواقع مفسران از دیرباز متوجه ارتباط معنایی و انسجام متن از طریق کارکرد جایگزینی و جانشینی شده بودند، لذا تفسیر برخی کلمات در سوره نحل را که به‌عنوان جانشین به کار رفته‌اند منحصراً به وسیله مضمون آیه یا آیات و یا عبارت پیشین آن انجام داده‌اند.

هر سه نوع ابزار جانشینی در این سوره به‌کار رفته است. جانشینی جمله‌ای با حدود ۶۸ درصد، جانشینی اسمی با حدود ۱۹ درصد و جانشینی فعلی با حدود ۱۳ درصد، به ترتیب جایگزینی جمله‌ای بیشترین و اسمی بیشتر و فعلی کمترین بسامد را در این سوره داشته‌اند. از آنجا که انسجام جمله‌ای بیشتر برای ایجاد و زیبایی آیات به کار می‌رود، بسامد بیشتر آن در سوره موجب رونق و جذابیت افزون‌تر سوره می‌شود و همچنین ارائه کمیت کاربست ابزار انسجامی، کمک می‌کند میزان انسجام و روابط معنایی آن به شکل ملموس‌تری درک شود.

منابع

الف) منابع عربی

- قرآن کریم
- ابن عاشور، محمد بن طاهر. (۱۹۸۴م). *التحریر و التتویر؛ الجزء الرابع عشر*، تونس: دار التونسية للنشر.
- ابن هشام الأنصاری، جمال‌الدین. (۱۳۶۷ش). *مغنی اللیب عن کتب الأعراب*؛ تبریز: بنی‌هاشمی.
- آلوسی، محمود بن عبدالله. (بی‌تا). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*؛ الجزء الرابع عشر، بیروت: دار الإحياء التراث العربی.
- البقاعی، برهان‌الدین ابی‌الحسن ابراهیم بن عمر. (۱۴۸۰م). *نظم الدرر فی تناسب الآيات و السور*؛ قاهره: دار الکتب الاسلامی.
- البیضاوی، عبدالله بن محمد. (۶۹۱ هـ). *أنوار التنزیل و أسرار التأویل المعروف به تفسیر البیضاوی*؛ اعداد و تقدیم، محمد عبدالرحمن المرعشلی، الجزء الثالث، الطبعة الأولى، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- بوقرة، نعمان. (۲۰۰۹م). *فی لسانیات النص و تحلیل الخطاب دراسة معجمية*؛ الطبعة الأولى، عمان الاردن، جدارا للکتاب العالمی.
- التفتازانی، سعدالدین. (۱۳۹۶ش). *المطول فی شرح تلخیص المفتاح*؛ ج ۲، قم: مؤسسه انتشارات هجرت.
- خطابی، محمد. (۱۹۹۱). *لسانیات النص (مدخل الی انسجام الخطاب)*؛ الطبعة الأولى، بیروت: المركز الثقافی العربی.

- الدرويش، محيي الدين. (١٩٩٩م). اعراب القرآن وبيانه؛ المجلد الرابع، الطبعة السابعة، سوريه: دارالإرشاد لشؤون الجامعة.
- الرازي، محمد. (١٩٨١م). تفسير الفخر الرازي المشتهر بالتفسير الكبير و مفاتيح الغيب؛ الجزء العشرون، الطبعة الأولى، عمان الاردن: دار الفكر.
- راغب الأصفهاني، حسين بن محمد. (بي تا). المفردات في غريب القرآن؛ بيروت: دار المعرفة.
- رمضان نجار، نادية. (٢٠٠٦ م). «علم اللغة النصي بين النظرية و التطبيق (الخطابة النبوية نموذجاً)»؛ مجلة علوم اللغة، المجلد ٩، عدد ٢، صص ٢٨٥-٣٨٥.
- الزمخشري، محمود بن عمر. (٢٠٠٩م). تفسير الكشاف عن حقائق التنزيل و عيون الاقوال في وجوه التأويل؛ علق عليه خليل مأمون شيحا، الطبعة الثالثة، بيروت: دارالمعرفة.
- طباطبائي، سيد محمدحسين. (١٣٧٨). تفسير الميزان؛ ترجمه سيد محمد باقر موسوي، ج ١٢، قم: دفتر انتشارات اسلامي.
- طبرسي، ابوعلی فضل بن حسن. (بي تا). مجمع البيان في تفسير قرآن؛ الجزء السادس، اصفهان: دار المعرفة.
- عادل كعید خلف العاني، زينب (٢٠١٢). «الرصف و علم لغة النص»؛ مجلة جامعة الانبار للغات و الآداب، السنة الثالثة، العدد السابع، صص ٩٧-١٤٧.
- عبدالواحد صالح، بهجت. (١٩٩٣ م). اعراب المفصل لكتاب الله المُرْتَل؛ المجلد السادس، الطبعة الأولى، عمان الاردن: دار الفكر.
- عكاشة، محمود. (٢٠١٤ م). تحليل النص دراسة الروابط النصية في ضوء علم اللغة النصي؛ الطبعة الأولى، مكتبة الرشد ناشرون.
- الفقي، صبحی ابراهيم. (٢٠٠٠ م). علم اللغة النصي بين النظرية و التطبيق دراسة تطبيقية على السور المكية؛ الجزء الأول، الطبعة الأولى، القاهرة: دار قباء.
- قیاس، ليندة. (٢٠٠٩ م). النظرية و التطبيق مقامات الهمداني أنموذجاً؛ الطبعة الأولى، القاهرة: مكتبة الآداب.
- واورزنيك، زتسيسلاف. (٢٠٠٣). مدخل الى علم النص مشكلات بناء النص؛ ترجمه و علق عليه سعيد حسن بحيري، الطبعة الأولى، القاهرة: مؤسسة المختار للنشر و التوزيع.
- هاينه من، فولفجانج و ديتر فيهفيجر. (١٩٩٩ م). مدخل إلى علم اللغة النصي؛ ترجمه فالح بن شبيب العجمي، الرياض: النشر العلمي و المطابع.

- ایشانی، طاهره. (۱۳۹۵). نظریه انسجام و پیوستگی و کاربرد آن در تحلیل متون (غزل حافظ و سعدی)؛ تهران: دانشگاه خوارزمی.
- آقا گل زاده، فردوس. (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان انتقادی؛ چاپ ۱، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- راسخ مهند، محمد. (۱۴۰۰). مکاتب زبان‌شناسی؛ ج ۲، تهران: نشر آگه.
- رسول نیا، امیرحسین و صدیقه جعفری نژاد. (۱۳۹۶). «بررسی مقوله جانشینی به عنوان عنصری کم‌کوشانه در قرآن کریم (مطالعه موردی ده جزء پایانی)»؛ فصلنامه پژوهش‌های ادبی - قرآنی (دانشگاه اراک)، سال ۵، شماره ۱، صص ۵۳-۷۰.
- لطفی پورساعدی، کاظم. (۱۳۷۱). «درآمدی به سخن کاوی». مجله زبان‌شناسی، سال ۹، شماره ۱، صص ۱۰۹-۱۲۲.
- لطفی پورساعدی، کاظم. (۱۳۹۹). درآمدی به اصول و روش ترجمه؛ ج ۱۳، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مختاری، قاسم و مهرانگیز خدابخش نژاد. (۱۳۹۷). «تحلیل زیبایی‌شناسی آیات قرآن کریم بر پایه عنصر انسجام و پیوستگی بررسی نمونه ای سوره های جزء سی ام»؛ دوفصلنامه پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، سال ۷، شماره ۱، صص ۱۰۷-۱۲۶.
- مهاجر، مهران و محمد نبوی. (۱۳۷۶). به سوی زبان‌شناسی شعر: ره یافتی نقش گرا؛ تهران: نشر مرکز.
- نیازی، شهریار و زینب قاسمی اصل. (۱۳۹۷). الگوهای ارزیابی ترجمه (با تکیه بر زبان عربی)؛ موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- ولیئی، یونس و دیگران. (۱۳۹۵). «عوامل انسجام متنی در سوره نوح»؛ دو فصلنامه پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، سال ۵، شماره ۱، صص ۶۹-۸۶.
- هالیدی، مایکل و رقیه حسن. (۱۳۹۳). زبان، بافت و متن؛ ترجمه محسن نوبخت، تهران: انتشارات سیاه‌رود.

ج) منابع لاتین

- Barthes, R. (1997). "The Photographic Message" in R. Barthes (ed.). Image-Music-Text, Pp 15-31
- Bloor, Thomas & Bloor. Meriel. (2004). The Functional Analysis of English; London: Arnold

- Halliday, M. A. K & Hasan. Ruqaiy. (1976). **Cohesion in English**; London: Longman
- Halliday, M. A. K (2002). **Linguistic Studies of Text and Discourse**; London: Continuum
- Newmeyer, F.J. (1998). *Language Form and Language Function*; Cambridge, Mass & London: MIT Press.

References

- Holy Quran
- Ibn Ashour, Muhammad bin Taher. (1984AD). *Liberation and enlightenment*; Part Fourteen, Tunisia: Tunisian Publishing House.
- Ibn Hisham Al-Ansari, Jamal Al-Din. (1367 AH). *Mughni Al-Labib from the books of Arabs*; Tabriz: Banu Hashemi
- Alusi, Mahmoud bin Abdullah. (Beta). *The spirit of meanings in the interpretation of the Great Qur'an and the Seven Repeated Verses*; Part Fourteen, Beirut: Dar Al-Ihya Arab Heritage.
- Al-Baqa'i, Burhan al-Din Abi al-Hasan Ibrahim bin Omar. (1480 AD). *Durar systems in the proportionality of verses and surahs*; Cairo: Dar Al-Kitab Al-Islami.
- Al-Baydawi, Abdullah bin Muhammad. (691 AH). *Lights of revelation and secrets of interpretation known as Tafsir al-Baydawi*; Prepared and presented by Muhammad Abd al-Rahman al-Marashli, Part Three, First Edition, Beirut: Arab Heritage Revival House.
- Bougherra, Noman. (2009 AD). *In text linguistics and discourse analysis, a lexical study.*, first edition, Amman, Jordan, Jadara International Book.
- Al-Taftazani, Saad Al-Din. (1396 AH). *The lengthy explanation of the summary of the key*; 2, Qom: Hajarat Publishing House.
- Khattabi, Muhammad. (1991). *Text linguistics (an introduction to discourse coherence)*; First edition, Beirut: Arab Cultural Center.
- Al-Darwish, Mohieddin. (1999AD). *The parsing of the Qur'an and its explanation*; Volume Four, Seventh Edition, Syria: Dar Al-Irshad for University Affairs.
- Al-Razi, Muhammad. (1981 AD). *Interpretation of Al-Fakhr Al-Razi, famous for his great interpretation and the keys to the unseen*; Part Twenty, First Edition, Amman, Jordan: Dar Al-Fikr.
- Ragheb Al-Isfahani, Hussein bin Muhammad. (Beta) *Vocabulary in the strange Qur'an*; Beirut: Dar Al-Maarifa.
- Ramadan Najjar, Nadia. (2006 AD) "Text Linguistics between Theory and Application (Prophetic Speech as an Example)"; *Journal of Linguistics*, Volume 9, Issue 2, pp. 285-385.
- Al-Zamakhshari, Mahmoud bin Omar. (2009AD). *Interpretation of Al-Kashshaf about the facts of revelation and the sources of sayings regarding*

- the aspects of interpretation. Commented on by Khalil Mamoun Shiha, third edition, Beirut: Dar Al-Ma'rifa.
- Tabatabai, Seyyed Muhammad Hussein. (1378). Interpretation of the balance; Translated by Sayyid Muhammad Baqir Mousavi, vol. 12, Qom: Islamic Publications Notebook.
 - Tabarsi, Abu Ali Fadl bin Hassan. (Beta). Al-Bayan Complex in the Interpretation of the Qur'an; Part Six, Isfahan: Dar Al-Ma'rifa.
 - Adel Qaid Khalaf Al-Ani, Zainab (2012). «Collocation and linguistics of text»; Anbar University Journal of Languages and Literature, third year, issue seven, pp. 147-97.
 - Abdul Wahed Saleh, Bahjat. (1993 AD). The detailed parsing of the recited Book of God; Volume Six, First Edition, Amman, Jordan: Dar Al-Fikr.
 - Okasha, Mahmoud. (2014 AD). Text analysis: the study of textual links in the light of textual linguistics; First edition, Al-Rushd Library, Publishers.
 - Al-Faqi, Sobhi Ibrahim. (2000 AD). Textual linguistics between theory and application: an applied study on the Meccan surahs. Part One, First Edition, Cairo: Dar Quba.
 - Kayas, Linda. (2009AD). Theory and application of the Maqamat Al-Hamdhani as an example. First edition, Cairo: Arts Library.
 - Warzniak, Zatsislaw. (2003). Introduction to textual science, problems of text construction; Translated and commented on by Saeed Hassan Beheiry, first edition, Cairo: Al-Mukhtar Institution for Publishing and Distribution.
- Heine, Wolfgang and Dieter Wehweger (1999). Introduction to textual linguistics; Translated by Faleh bin Shabib Al-Ajami, Riyadh: Scientific Publishing and Printing Press.
- Ishani, Tahereh. (2016). "Coherence and Cohesion Theory and its Application in Text Analysis (Hafez and Saadi's Ghazals)"; Tehran: Kharazmi University.
 - Agha Golzadeh, Ferdows. (2006). "Critical Discourse Analysis"; 1st Edition, Tehran: Elmi O Farhangi Publications.
 - Rasekh Mahand, Mohammad. (2021). "Schools of Linguistics"; Vol. 2, Tehran: Agah.
 - Rasoulnia, Amir Hossein and Sedigheh Jafarinejad. (2017). "Investigating the Replacement Concept as a Subtle Element in the Quran (Case Study: The Last Ten Chapters)"; Literary-Quranic Research Journal (Arak University), Year 5, Issue 1, pp. 53-70.
 - Lotfipour Saedi, Kazem. (1992). "An Introduction to Speech Analysis"; Linguistics Journal, Year 9, Issue 1, pp. 109-122.
 - Lotfipour Saedi, Kazem. (2020). "An Introduction to Translation Principles and Methods"; 13th Edition, Tehran: Markaz-e Nashr-e Daneshgahi.

- Mokhtari, Qassem and Mehrangiz Khodabakhsh Nejad. (2018). "Aesthetic Analysis of Quranic Verses Based on the Coherence and Cohesion Element: A Sample Study of the Thirtieth Juz"; Biannual Journal of Quranic Linguistic Studies, Year 7, Issue 1, pp. 107-126.
- Mohajer, Mehran and Mohammad Nabavi. (1997). "Towards the Linguistics of Poetry: A Role-Oriented Approach"; Tehran: Markaz.
- Niazi, Shahriar and Zeinab Ghasemiasl. (2018). "Translation Evaluation Patterns (with a Focus on Arabic Language)"; Tehran University Press Institute.
- Valyee, Yunes, and colleagues. (2016). "Textual Coherence Factors in Surah Noah"; Biannual Journal of Quranic Linguistic Studies, Year 5, Issue 1, pp. 69-86.
- Halliday, Michael and Ruqaiya Hasan. (2014). "Language, Context, and Text"; Translated by Mohsen Nobakht, Tehran: Siyahrud Publications.

دراسة وظيفة الأدوات اللغوية (الاستبدال) كعامل الإتساق في سورة المباركة "النحل" من وجهة نظر نظرية تماسك النص لرقية حسن و مايكل هاليداي^{*}

مهدي سيف^١، سيد أبو الفضل سجادي^{٢*}، إبراهيم أناري بتشلوي^٣، احمد اميدعلي^٤

^١ طالب دكتوراه في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة أراك، أراك، إيران.

^٢ أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة أراك، أراك، إيران.

^٣ أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة أراك، أراك، إيران.

^٤ أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة أراك، أراك، إيران.

معلومات المقالة الملخص

نوع المادة:

مقالة محكمة

تاريخ الوصول:

۱۴۰۲/۰۱/۱۲

تاريخ القبول:

۱۴۰۲/۰۹/۱۲

القرآن الكريم اعجاز الرسول ونصه أفصح نص أتيح للبشرية. استخدم اللغويون والباحثون منذ القدم حتى الآن وسائل مختلفة لتحليل وفحص نصه. يعتبر التماسك من أهم المعايير النصية. واحدة من أحدث الوسائل التي تمكن أن تحلل نصه هي الأداة اللغوية للاستبدال، والتي تم اقتراحها في شكل نظرية تماسك نص هاليداي وحسن. تدرس هذه النظرية العلاقات الدلالية التي تؤدي إلى خلق ترابط النص، ويظهر تطبيق هذه النظرية والأداة اللغوية للاستبدال في سورة النحل كيف استطاع عنصر ما أن يحل محل الكثير من اللفظ والمعنى بوضع كلمات لصياغة أكبر كمية من المعلومات بانفاق أقل قدر من الوسائل ومنع التكرار الممل لشكل حرفي لجملة أو أكثر مع تكرار المعنى والمفهوم في نفس الوقت وإنشاء نص متماسك ومتكامل. تشير الدراسات إلى أن الآيات في سورة النحل تكون مرتبطة ببعضها البعض لدرجة أنه إذا أزيلت إحداها أو نقلت، فإنها تسبب غموضاً في المعنى والارتباك لدى المخاطب. إن تطبيق وسائل الاستبدال اللغوي في سورة النحل يخلق عقدة وصلة من نفس نوع الفئة ويخلق سلسلة متماسكة، على التوالي؛ الاستبدال القولي؛ ثم الاستبدال الإسمي، وفي النهاية الاستبدال الفعلي لها أعلى تردد. فإن الإطراء والإفادة والتواصل بين الآيات واستمرارية المعنى دون تكرار ضمائر كثيرة وفق مبدأ الاقتصاد اللغوي جعل السورة مجموعة من الوحدات المتداخلة والمتشابهة والمتكاملة يسرى من خلالها تدفق دلالي وكل هذا تحقق في هذه السورة بالاستخدام الذكي والدقيق لوسائل الاستبدال اللغوية.

الكلمات المفتاحية: التماسك، النص، الاستبدال، سورة النحل، هاليداي وحسن.

الاقْتباس: سيف، مهدي؛ سجادي، سيد أبو الفضل؛ أناري بتشلوي، إبراهيم؛ اميدعلي، احمد (۱۴۰۲). *دراسة وظيفة الأدوات اللغوية*

(الاستبدال) كعامل الإتساق في سورة المباركة "النحل" من وجهة نظر نظرية تماسك النص لرقية حسن و مايكل هاليداي، مقالة محكمة،

السنة الخامسة عشرة، الدورة الجديدة، العدد الرابع والخمسون، شتاء ۱۴۰۲: ۱۱۱-۱۳۱.



المعرف الرقمي: 10.30479/lm.2023.18422.3502

الناشر: جامعة الإمام الخميني (ع) الدولية حقوق التأليف والنشر © المؤلفون.